

تبت، دین و دولت کمونیست

بخش اول

22 اسفند 1390

علی فرح‌بخش / رادیو کوچه

چهار سال پیش، در مقاله‌ای تحت عنوان «دین تبتی روی خط آهن چین» که در مجله‌ی اخبار ادیان منتشر شد در خصوص راه‌اندازی خط آهن «چینگ‌های-تبت» نوشتم و تأثیرات آن بر فرهنگ و مذهب تبت. بعد از گذشت چهار سال از نگارش آن مقاله، امروز تأثیرات بارزتر آن پدیده به شکل نمایان‌تری به چشم می‌خورد و اثر آن، چیزی نبوده‌است به غیر از قیام هر چه منسجم‌تر و بیش از پیش تبتی‌های داخل و تبعیدی‌های خارج از سرزمین اجدادی‌شان.

دو روز پیش (دهم مارس 2012)، یادواره‌ی پنجاه‌وسومین سال قیام مردم تبت، در هند و بسیاری از کشورهای جهان، توسط تبتی‌های در تبعید و حامیان غیر تبتی‌تبار آن‌ها برگزار شد که نشانی‌ست از بیش از نیم قرن مقاومت مردم این سرزمین بودایی.

به‌همین مناسبت، در این پرونده، نگاهی می‌اندازیم به تبت و پیشینه‌ی دین بودایی در این سرزمین و همچنین چالش‌های تبت و دولت کمونیست چین که همچنان مانند گذشته به قوت خود باقی‌ست. در بخش دوم و پرونده‌ی آتی نیز، نگاهی می‌اندازیم به زندگی‌نامه‌ی «دالایی‌لاما» رهبر تبعیدی بوداییان تبت و اندیشه‌ها و فعالیت‌های وی در سال‌های قبل و بعد از تبعید.

زمان ورود اندیشه‌های بودایی به تبت به‌وضوح مشخص نیست، اما احتمالاً در سده‌ی هفتم میلادی صورت یافته‌است. سرزمینی کوهستانی و فاقد جغرافیای ایده‌آل برای تشکیل جوامع سازمان‌یافته، آن‌چنان پیش رفت تا به یکی از مراکز بزرگ مذهبی در جهان تبدیل شد.

اولین پادشاهی در تبت، در حدود سال 600 میلادی پایه‌ریزی شد. نخستین جرقه‌های گرایش به آیین بودا در سال‌های 792 تا 794 میلادی در «لهاسا» شکل گرفت و پس از آن، دین بودا، دین رسمی مردم تبت شد و در تار و پود فرهنگ و سنن آنان نفوذ کرد. در این میان، آیین بودا با فرودهایی نیز مواجه گشت.

پر آوازه‌ترین مکتب بودایی تبت، مکتب بودایی «لامایسم» یا «مکتب کلاه زرد» است. این دین در اوایل قرن پانزدهم شکل گرفت و رهبران آن، تحت عنوان «دالایی‌لاما»، یکی پس از دیگری، رهبری مذهبی تبت را بر عهده می‌گرفتند. در سال 1642، دالایی‌لامای پنجم به فرمانروایی سراسر تبت منصوب شد و این روال ادامه داشت تا سال 1959 که دولت چین، دالایی‌لامای چهاردهم (کنونی) را از تبت اخراج کرد.

واژه «دالایی» در زبان مغولی به معنی «اقیانوس» است و «لاما» به معنای معلم. لازم به ذکر است که واژه «لاما» (Lama) در حقیقت «bla-ma»ست، با ساکن روی حرف «b». این لقب، توسط مغول‌های مهاجم به سرزمین تبت، به بزرگان بودایی داده شد و نشانی‌ست از احترام آن‌ها به آیین بودا و رهبران آن.

سرزمین تبت در دهه‌های اخیر، مسایل بحث‌انگیز بسیاری را پشت سر گذاشته و همواره از آن، گفت‌وگوهای پیرامون مباحث مذهبی و سیاسی، در محافل دولتی و غیردولتی چین و جهان در میان است. آیین بودای تبتی از مشهورترین فرقه‌های بودایی جهان محسوب می‌شود که سال‌ها رهبری مذهبی این فرقه را لاماها اعظم بر عهده داشتند. پس از انقلاب «مائو»، تبت بر خود مختاری خود تاکید کرد اما دولت کمونیست، این ادعا را باطل دانست و در سال 1959 میلادی، در راستای الحاق تبت به خاک مادری چین، به این سرزمین هجوم آورد و با جنبش آزادی تبت، وارد جنگی نابرابر شد. در این میان راهبان بودایی و مردم عادی بی‌دفاع، بیش‌ترین آسیب را متحمل شدند. در دهم مارس 1959 «دالایی‌لامای چهاردهم» که رهبری سیاسی و مذهبی تبت را تا آن زمان بر عهده داشت، پس از شکست رسمی تبت، به هند گریخت و تبعید شد و این معضل همچنان به‌شکل پیشین خود پا بر جاست.

منطقه خودمختار تبت یکی از پنج منطقه خودمختار چین بوده و در یادداشت‌ها از آن به‌عنوان «سی‌زانگ» یاد می‌شود. تبتی‌ها ملیت عمده این منطقه قلمداد می‌شوند. این منطقه در جنوب و غرب با کشورهای مانند برمه، هند، بوتان و نپال هم‌مرز بوده و خط مرزی آن به حدود چهارهزار کیلومتر می‌رسد. تبت با مساحتی در حدود یک‌میلیون و دویست و بیست هزار کیلومتر مربع، دارای دو میلیون و شش‌صد هزار نفر جمعیت است که با مهاجرت غیرتبتی تبارها به این سرزمین، جمعیت آن رو به افزایش است.

پس از سقوط لهاسا و در هم شکستن تبت توسط نیروهای نظامی چین کمونیست و تبعید دالایی‌لاما به هند، مردم تبت به مبارزات خود به‌صورت مخفیانه ادامه دادند. پس از چند دهه و تلاش‌های پی‌گیر دالایی‌لاما برای آزادی تبت، به‌مرور زمان، انعکاس فجایع و برخوردهای شدید دولت چین با تبتی‌ها، شکل رسانه‌ای گسترده‌تری به‌خود گرفت.

با رونق رسانه‌ها و شبکه‌های اینترنتی، پیام آزادی مردم تبت، بیش از پیش به گوش دیگر سرزمین‌ها رسید. آمار تبتی‌هایی که در خاک مادری خودشان، مورد خشم دولت کمونیست چین قرار گرفتند، در دسترس عموم گذاشته شد. زندان، شکنجه، اعدام و سخت‌گیری‌های دولت چین در مقابل تبتی‌ها، به قدری فاجعه‌آمیز بود که نهادهای حقوق بشری جهان، دست به اعتراض علنی زدند، هر چند که از شدت برخوردها کاسته نشد، و خودسوزی چند راهب بودایی در ماه‌های اخیر را می‌توان از تبعات آن دانست.

در این میان، دولت چین نیز برای چنین برخوردهایی، دلایل خود را بیان می‌کند. از دیدگاه حزب کمونیست چین، تبت هرگز به منطقه‌ای خودمختار بدل نخواهد شد و برای همیشه جزئی از خاک مادری چین محسوب می‌شود. در این میان، به نظر می‌رسد که دین مردم تبت نیز، از نظرگاه دولت کمونیست چین، پدیده‌ی منسوخ‌یست که باید محو شود. در این بین، دلایلی‌لایما بارها از دولت چین دعوت کرد تا بر سر میز مذاکره بنشینند و هر بار هم با مخالفت شدید مواجه شد.

در هر حال، به نظر می‌رسد که تنش و درگیری‌ها ما بین تبت و حزب کمونیست چین، موضوعی‌ست هم‌چنان بحث‌انگیز و پرحاشیه که هیچ‌یک از دو طرف درگیری، از ایده‌آل‌های خود دست نمی‌کشند.
